

تأثیرات تمدنی و تبادلات متقابل تمدن های شرقی بر تمدن غرب اسلامی و انتقال طب به اروپا

محمد رضا شهیدی پاک^۱

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

چکیده

در جغرافیای غرب اسلامی در آفریقه تمدن اندلسی و مغربی با بنای پایتخت جدید، تونس و تاسیس سلسله حفصیان و انتقال بغداد به آنجا درهم آمیخت و آخرین مرحله توسعه و تکامل تمدن و فرهنگ اسلامی رقم خورد. اروپا با تصرف اندلس و مغرب و مصر، تغییر نام مغرب و مصر به شمال آفریقا سعی در محو سابقه تمدن اسلامی داشتند. این پژوهش درصدد مرحله ای کلاسیک از تجلی مظهری از تمدن اسلامی، طب و انتقال آن از آفریقه به اروپا را بررسی کند تا وجه اهمیت آفریقه و اصالت تمدن اسلامی در آفریقه اثبات شود و ضرورت بازگشت به اسامی جغرافیایی قرون اولیه مانند آفریقه روشن گردد. این قانون ابن سینا و حاوی رازی است که ریشه طب اسلامی در آفریقه و اندلس است، همان طور که از شهرهای آن دیار تمدن اسلامی بویژه پزشکی به اروپا رفت.

واژه های کلیدی: تمدن اسلامی، حفصیان، موحدان، طب اسلامی

۱- مقدمه: طب افریقه پیش از عهد حفصی - فقر دانش طبی اروپا

این مقدمه طولانی لازم است که ثابت کند پزشکی در شکل ایرانی و اسلامی آن از شرق جهان اسلام به غرب آن رفت و در آنجا توسعه فوق العاده و چشمگیر یافت و ابن سینا دوم پدید آمد و ابن رشد مکتب خاصی در پزشکی آورد. و میوه تلاش مسلمانان در تمدن بویژه در طب نصیب اروپا شد و این انتقال در اندلس و افریقه صورت گرفت. از حقایق تاریخ علم این است که اروپا در همسایگی افریقه و اندلس در قرون وسطی در تاریکی بسر می برد و نور علم از این سرزمین هابه اروپا راه یافت پدیده توسعه و انتقال طب از دوره باستان به قرون وسطی حاصل پروسه ای طولانی در شرق و غرب اسلامی است که مرحله ای از تکامل و انتقال آن در غرب اسلامی از دولت اغالبه تا دولت حفصیان صورت گرفت که در این مقاله آمده است. این پژوهش به طور مفصل در کتاب های تاریخ تحلیلی اندلس و تاریخ تحلیلی مغرب (۱۳۸۹) و مطالعه تحلیلی فرهنگ و تمدن اسلامی در غرب اسلامی (۱۳۷۹) و کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی در عهد حفصیان، و چندین مقاله از جمله علل واقعی سقوط اندلس و نظریه ابن خلدون آمده است.

۱-۱- نگاه اجمالی به طب اسلامی

طب اسلامی پدیده ای جهانی از بزرگترین مظاهر تمدن اسلامی است که در قرون وسطی شکوفا شد. با طلوع خورشید قانون ابن سینا، و الحاوی رازی، در شرق جهان اسلام، مکتب طب اسلامی عربی ایرانی بوجود آمد. جرج سارتن (۱۳۸۳) در شرح چیستی و ویژگی های دانش طب در قرون وسطی، می نویسد، مراکز طبی در جهان فعال بودند، اما اطباء مسلمان، در دانش طب مبتکر، پیشرو و پرچمدار بودند. انتقال معارف طبی از یونان، روم، هندو ایران به دیگر ملل، به همت اطباء مسلمان، از مسلمات تاریخ علم است، مکتب طب اسلامی مقلد اطباء گذشته نبودند و عقل محوری به عقیده شرق شناسانی چون رزنتال عامل اصلی در تسهیل انتقال معارف باستان؛ به ویژه در باب طب بود. و مطالعه قانون به شکوفایی دانش طب در جهان قرون وسطی انجامید، و مکتب اندلسی و افریقه از اطباء پیشرو و مبدعی چون ابن زهر، زهراوی و ابن اندراس (ابن سینای دوم) شکل گرفت.

۱-۲- نفوذ طب ایرانی در غرب اسلامی از اغالبه تا حفصیان

در افریقه که ملتقای تمدن ها بود از طب بربرها، سیاهان، رومی ها، فینیقی ها، اعراب، ایرانیان یاد کرده اند. اما در تقسیم بندی برحسب تسلسل دول از اغالبه تا حفصیان توسعه چشمگیر طب اسلامی در عهد پنج دولت وجود دارد (شهیدی پاک ۱۳۸۹):

-**دولت اغلبیان:** دوره اغالبه نقطه عطفی در تاریخ طب افریقه بود و بسیاری از بنیادهای طب سنتی افریقه در این عصر نهاده شد. از اطباء بی شماری در دوره اغلبی نام برده اند. از جمله ابتکار موسسه پزشکی خاص بیمادان جزامی - (دمنه) - در چند نقطه افریقه نوآوری خاص تمدن اسلامی است.

-**تکامل طب اسلامی عهد فاطمی در افریقه:** فاطمیان در افریقه تاسیس دولت نمودند و در طول هشتاد سال در آن جا ماندند و سپس به مصر رفتند پایتخت آنها در افریقه مهدیه و شهر قیروان مهد معارف طبی بود. بیت الحکمه قیروان از مراکز گسترش و آموزش در دوره فاطمی بود و اطباء افریقه در مصر و شام و سائر نقاط پراکنده شدند.

-**معارف طبی عهد زیریان: وابسته فاطمیان:** در عصر زیریان چهره های سرشناسی در طب و داروشناسی ظهور کردند. هجوم اعراب هلالی موجب توقف روند رشد طب در افریقه شد که تا پایان عصر مرابطین ادامه داشت در عهد موحدین طب اسلامی به نقطه اوج خود دست یافت.

۱-۳- احیا طب اسلامی عهد دولت موحدان: دولت موحدان دوره ای کالبدی در تمدن اسلامی است در اهمیت این دولت همین بس که ابن رشد فیلسوف طبیب نظریات ماندگار و موثر در فلسفه و طب اسلامی به جامعه بشری عرضه کرد. در کتاب تاریخ تحلیلی اندلس و مغرب این مطلب نقش موحدان در توسعه طب آمده است. اساسا طب اسلامی پروسه ای است که از عهد دولت شیعه ال بویه با ابن سینا در شرق اسلامی آغاز شد و در عهد موحدان در غرب اسلامی تکمیل و عرضه شد. مولف در مقاله ای آورده است مسلمانان موفق شدند در این دوره پارادایمی خاص از طب ارایه کنند که تا قرن ها مورد استفاده بود. با نام پارادایم مطالعه تاریخ طب از ال بویه تا عهد امپراطوری موحدین (آوریل ۲۰۲۳) که در ژورنال بیومدیکال ژرنال علم و تکنولوژی در ایالات متحده در ۲۰۲۳ منتشر شد (شهیدی پا ۲۰۲۳).

۱-۳- فقر معارف طبی اروپا و ارسال پزشک از افریقه به اروپا

مسلمانان طب را از دوره باستان فقط منتقل نکردند بلکه تنها امتی هستند که آن را توسعه دادند و به اروپا در حالی که در دوره تاریکی بود ارسال کردند و آن را از ظلمت بیرون آوردند و به گفته اکثر شرق شناسان، خورشید تمدن از شرق اسلامی به غرب مسیحی تابید. رساله دکتری خانم زیگیفرید هونکه، شرق شناس آلمانی و بیشتر آثار او پیرامون اثبات جزیی این مهم است و رساله او بانام خورشید علم و تمدن از شرق به غرب طلوع کرد از او است. چگونگی انتقال تمدن در نمونه اسلامی آن از پل افریقه و اندلس صورت گرفته است و مولف کوشیده است تا آن را در زمینه تغییرات جامعه شناختی بررسی کند، این مقاله در ۳۴ کنفرانس علم و فرهنگ در کره جنوبی در ۲۰۱۲ در جزیره حیجو به صورت حضوری با عنوان تحقیق مقایسه‌ای انتقال تمدن در قرون وسطی در نمونه اندلسی آن ارایه و در کتاب مقالات آن منتشر شد. حقیقت انتقال در پایان قرون وسطی از اندلس و افریقه در طب بیشتر هویدا شد. به این شکل که:

در دوره سلطنت حفصیان جریان طب در افریقه رو به احیاء گذاشت و در سراسر عصر حفصی هم چنان رو به پیشرفت بود. برونشویک به پیشرفت طب در دوره حفصی و برتری طب اسلامی اشاره کرده او ارسال طبیب به صقلیه توسط مستنصر حفصی را دلیل بر تقدم طب اسلامی و عقب ماندگی اروپا از حیث طب در آن زمان دانسته است. حفصیان با استفاده از ثروت و قدرتی که از موحدین به ارث برده بودند باعث پیشرفت فعالیت‌های اقتصادی و تجاری شدند و فضای مناسبی جهت پیشرفت برخی علوم از جمله طب فراهم کردند. رشد چشمگیر و مستمر طب در افریقه دوره حفصی حاکی از سهم بالای افریقه در تمدن غرب اسلامی است.

۱-۴- بیت الحکمه قیروان و نقش ایران در تاسیس آن

فرهنگ و تمدن ایرانی با تاسیس بیت الحکمه شبیه بیت الحکمه بغداد منتقل شد و توسعه پیدا کرد. این پدیده در شهر قیروان که حدود تا تاسیس دولت اغالبه حدود صد و پنجاه سال از عمرش می گذشت عمده‌ترین ویژگی طب افریقه به‌ویژه مدرسه طبی قیروان صبغه ایرانی آن است. نفوذ ایران از تاسیس بیت الحکمه قیروان که به عنوان مرکز ترجمه کتب طبی فعالیت می‌کرد، آغاز شد. با انتقال مدرسه طبی بغداد (که همان مدرسه طبی جندی شاپور بود)، به قیروان میراث طبی ایران به افریقه راه پیدا کرد.

برخی از عمده ترین مراحل انتقال طب ایرانی به قیروان به این ترتیب است:

- ۱- نخستین بار طبیب ایرانی یوحنا بن ماسویه پزشک دانشگاه ایرانی جندی شاپور که حامل سنت ایرانی طب بود به همراه سردار دولت عباسی مهلبی در ۱۵۰ هجری وارد قیروان شد. این مدرسه طبی نفوذ خود را همچنان تا دوره حفصی حفظ کرد. اطبای افریقه بر پایه کتب اصلی طب ایرانی، آثاری پدید آوردند.
- ۲- ابن جزار و انتقال طب از ایران به قیروان: از جمله مهمترین منابع مدرسه طب و صیدلیه در قیروان آثار ابن جزار بود. نکته قابل توجه که محققان به آن توجه کرده‌اند، نفوذ بالای منابع طب ایرانی در کتب ابن جزار است. در منابع کتب ابن جزار، نام پزشکان ایرانی دیده می‌شود. ابراهیم مراد می‌نویسد: ابن جزار که رکن اصلی و اساسی مدرسه طب قیروان بوده است در

کتاب‌های خود ۶۸ مورد یعنی بیشترین استناد را به آثار یوحنا بن ماسویه طبیب دانشگاه ایرانی جندی شاپور دارد.^۱ او به آثار چند طبیب دیگر ایرانی نیز استناد کرده است.^۲

۳- از اصفهان تا قیروان : از جمله اطباء قیروان متیمم است. او به اصفهان رفت و طب و نجوم آموخت و سپس به وطن خود بازگشت. ابوالعباس امجد از اصفهان در عهد مستنصر حفصی به افریقیه رفت و در بجایه سکونت گزید و به طبابت مشغول شد.^۳ ابوالحسن مروزی از جمله اطباء ایرانی بود که از مرو به افریقیه رفت. بنابراین واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که مدرسه طب قیروان ایرانی التأسيس و اسلامی البقاء بود.

۴-مدرسه ایرانی طبی قیروان: به اسانی میتوان قیروان (کاروان نخستین شهر که ایرانیان بنا کردند) ایرانی است به سال ۱۵۰ هجری نخستین بار طب اسلامی به واسطه یکی از پزشکان دانشگاه ایرانی جندی شاپور به نام یوحنا بن ماسویه وارد قیروان شد. مدرسه طبی قیروان رنگ خاصی از سنت طبی داشت که آن را از سایر مدارس طبی مشخص می‌کرد.

۲- نقد و بررسی مدرسه قیروان

طب ایرانی -اسلامی

دکتر احمد بن میلاد دو ویژگی اساسی برای مدرسه طبی قیروان ذکر کرده است:

-عربی بودن مدرسه طبی قیروان

- لائیک بودن مدرسه طبی قیروان اما این دیدگاه احمد بن میلاد

و دو ویژگی که ایشان در مورد مدرسه طب قیروان آورده محققانه نیست و اساس تاریخی ندارد طب قیروان نه لائیک بوده است و نه عربی است؛ چون تاریخ طب قیروان دو ویژگی از این مدرسه طب ثبت کرده، که ثابت می‌کند طب قیروان؛ ایرانی با رنگ مذهبی بوده است و این هر دو ویژگی از اغالبه تا حفصیان از صفات بارز طب در افریقیه است. این مهم در دو رکن اساسی پژوهش بررسی شده است:

اول: عمق کمی و کیفی نفوذ طب ایرانی در قیروان

عمده‌ترین ویژگی طب افریقیه به ویژه مدرسه طبی قیروان صبغه ایرانی آن است. نفوذ ایران از تأسیس بیت الحکمه قیروان که به عنوان مرکز ترجمه کتب طبی فعالیت می‌کرد، آغاز شد. با انتقال مدرسه طبی بغداد (که همان مدرسه طبی جندی شاپور بود)، به قیروان میراث طبی ایران به افریقیه راه پیدا کرد. نخستین بار طبیب ایرانی یوحنا بن ماسویه پزشک دانشگاه ایرانی جندی شاپور که حامل سنت ایرانی طب بود به همراه سردار دولت عباسی مهلبی در ۱۵۰ هجری وارد قیروان شد. این مدرسه طبی نفوذ خود را همچنان تا دوره حفصی حفظ کرد. اطباء افریقیه بر پایه کتب اصلی طب ایرانی، آثاری پدید آوردند.

دوم: دینی و اسلامی - صفت دوم مدرسه طب قیروان

رکن دوم طب قیروان صفت دینی و اسلامی آن است طب اسلامی قیروان ویژگی دوم که محقق ذکر شده به طب قیروان، نسبت داد لائیک بودن آن است. او در نفی صفت دینی از طب قیروان، می‌نویسد: «طب قیروان رنگ مسیحی، رنگ یهودی و رنگ اسلامی نداشته و از صبغه تصوف و عوارض آن، دعا و استغاثه به اولیاء و صالحین خالی بوده است. به چند دلیل این دیدگاه هم باطل است دلایل نقضی علیه آن وجود دارد.

سوم: ادله دینی بودن طب قیروان:

ادله فراوانی برای این ادعا هست که طب در افریقیه دوره اسلامی جریانی دینی است که مهمترین آن ها عبارتنداز:

۱. بحوث في التاريخ الطب عند العرب، ۲۱۹.

۲. همان، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۱.

۳. مدخل الي تاريخ العلوم، ج ۱، ص ۲۵۳.

۴. عنوان الدرايه، ص ۱۰۶.

۱- مکتب یهودی اسلامی و طب خواندن ایه الله مازری

یکی از آن ها ادعای وجود مکتب یهودی - اسلامی مسیحی در قیروان از اغالبه تا حفصیان است. مهمترین دلیل بر لائیک نبودن طب قیروان حضور مسلط طب یهودی در قیروان در کنار طب اسلامی و قدمت آن بر طب اسلامی است. در مورد میزان این حضور همین بس که به داستان انگیزه طب خواندن مازری توجه کنیم. مازری صاحب مدرسه سنتی قیروان در کلام و فقه و طب بود. او جهت معالجه خودش به اطباء یهودی مراجعه می کرد در یکی از مراجعات انگیزه بالایی جهت خواندن طب برای او پیدا شد.

برونشوئیک (یهودی) نیز راه مبالغه پیموده و از مدرسه طب اسلامی - یهودی در قیروان یاد کرده است اما؛ علی رغم مبالغه، دیدگاه برونشوئیک از صحت برخوردار است. برونشوئیک بر یهودی - اسلامی بودن طب قیروان اصرار دارد و حرف او نقطه مقابل دکتر احمد بن میلاد است و لائیک بودن طب قیروان را نفی می کند و البته این مایه افتخار مسلمین است که در جایی که سنت طب یهود در حال گسترش بود، موفق شدند طب اسلامی را به اوج شکوه برسانند. استفاده ای که از داستان امام مازری می توان در این خصوص نمود این که امام مازری تصمیم گرفت سلطه طب یهودی بر قیروان را در هم بشکند. او فقیه بلند پایه مالکی و در مسائل فقهی مرجع فتوا بود با تحقیقات طب به جایی رسید که مرجع فتوا در طب هم شد. فقیه طبیب مازری از طبای مدرسه قیروان با دید شرعی به طب نگاه می کرد.

۲- استمرار مدرسه یهودی طب تا عهد دولت حفصیان:

اما؛ اینکه سنت طب اسلامی - یهودی قرن ۴ و ۵ هجری همچنان در دوره حفصی نیز برقرار بوده یا خیر؟ سؤالی است که برونشوئیک مطرح کرده است او این احتمال را بعید دانسته است. در عین حال همچنان طبای یهود در محافل بالای طب در دوره حفصی مطرح بوده اند. ابن قنفذ از طبیب ابی الحجاج یوسف آندلسی قرمونی به عنوان طبیب مخصوص ابی العباس حفصی نامبرده است که شاگرد ابن الزرزار یهودی بوده، اطباء یهود در دوره حفصی در انتقال طب به اروپا نیز مفید واقع شدند. با این وصف طب قیروانی هرگز، طب مجرد از دین و فرهنگ مذهبی نبوده است.

۳- امیختن طب با معارف انسانی و دینی اسلام:

سلطه علوم انسانی و اسلامی در تاریخ علم عهد حفصیان بسیار چشمگیر است. و طب با فلسفه ادبیات و فقه و ادب امیخته است.

الف: آمیزش طب و فلسفه اسلامی:

بنیانگذار سنت طب قیروان اسحق بن عمران می کوشید تا آن را با فلسفه بیامیزد. اطبا قیروان در دوره حفصی نیز در تلفیق طب با فقه تلاش کردند. ابراهیم بن مزغیش و محمد البلوی (یکوش) مفتی و فقیه و طبیب از جمله طبای قیروان در دوره حفصی بودند. بنابراین سنت جاری در طب قیروان همواره طب با رنگ مذهبی بوده است و لازم نیست جهت نفی حضور سنت طب یهود در قیروان، قائل شویم طب قیروان لائیک است.

ب: آمیزش طب با فقه اسلامی - طب شرعی :

ملاحظه شد سنت طب مسلمانان در قیروان با اقدامات مازری چنان گسترش پیدا کرد که قرون بعدی (در دوره حفصی) شاهد نوعی طب شرعی در افریقیه هستیم که بحث آن می آید. برونشوئیک به چهره اسلامی طب در دوره حفصی تصریح کرده و می نویسد: در دوره حفصی ما شاهد مجموعه ای از اطباء متبحر و مشهور در شهر بجایه، تونس و قسنطینه هستیم که همه آنها مسلمان بودند و یهودی در بین آنها نیست ویژگی این اطباء تزلع و تبحر در شریعت و فقه و طب بود.

ج: آمیزش طب با تصوف و عرفان:

علاوه بر مطالب یاد شده فرهنگ حاکم بر گذشته افریقیه نشان می دهد که افریقیه حداقل در دوره اسلامی، غیر لائیک ترین نقطه روی کره زمین بوده است. قرن ها در جای جای افریقیه به ویژه در قیروان با تعصب مذهبی روبرو هستیم و این با لائیک بودن نمی سازد. فرهنگ مردم افریقیه در اعتقاد به زیارت قبور و کرامات اولیاء و مسائل از این قبیل فرض لائیک بودن طب قیروان، در زمانی که افریقیه در اوج اعتقاد به سر می برد را صددرصد منتفی می سازد. دباغ در زندگی مازری و دیگران آورده

است که در وسائل شخصی او اشیایی پیدا شد که نشان می‌داد او قصد داشته از طریق کیمیا و شیوه غیر طبی به مداوا بپردازد. این جمله نیز نقض حرف دکتر احمد بن میلاد است که طب قیروان را خالی از گرایش‌های خاص غیر طبی به ادعیه و اوراد، می‌دانست.

د: شماری از سرامدان فلاسفه و فقهاء طبیب در مدرسه قیروان

چنانکه ذکر شد، از جمله ویژگی‌های طب تونس که می‌توان آن را دست آوردی به حساب آورد، آمیختگی طب با یکی از شعب علوم نظری بود. اطبائی از میان فقهاء، فلاسفه، مورخین، ادبا و شاعران و قضه، بزرگ در افریقیه ظهور کردند. تلفیق میان ادب، فلسفه، طب ریشه سنتی در افریقیه داشت. از اسحق بن عمران طب افریقی بعنوان بنیانگذار این شیوه طب در تلفیق میان طب و فلسفه در افریقیه نام برده‌اند. ویژگی این جزار نسبت به اطباء زمان خودش، آمیختن عقیده با فلسفه بود او به شیوه اطباء فیلسوف چون رازی و ابن‌سینا بود.

ابن اندراس، طبیب مخصوص مستنصر حفصی به شیوه ابن‌سینا و رازی از جمله اطباء فیلسوف بود. قصادی و تیفاشی از علمای دوره حفصی که از علمای علوم عقلی بودند به طب پرداختند. احمد بن شعیب (۷۴۶) فاسی از جمله اطبای افریقیه بود که بین طب و فلسفه و ادب جمع کرد او این شیوه را در تونس آموخته بود. حضور فقهاء در صحنه طب و ظهور فقهای بزرگی در عرصه طبابت باعث پیوند بین مبانی شرع و طب شد و نوعی طب شرعی در تونس پدید آمد. وجود فقهای پزشک در بین اطبای افریقیه را برخی محققین به عنوان یک پدیده بارز در تاریخ طب اسلامی قلمداد کرده‌اند. این سنت در دوره حفصی استمرار یافت در قرن هشتم هجری در بین اطبای افریقیه «ابن قوبع» تونس مظهر واقعی این پدیده معرفی شده است.

ابن قوبع، مفسر، نحوی، شاعر، لغوی او در تونس حوزه درسی در طب داشت و به عللی به مصر مهاجرت کرد او در مصر و شام به عنوان شیخ مالکیه شناخته می‌شد. در بیمارستان منصوری دمشق مشغول به کار و تدریس طب شد و در مدرسه منکوتریه تدریس می‌کرد. او متأثر از اندیشه ابن‌سینا و مروج آراء او بود. مدتی نایب قاضی القضاة مصر شد. او متخصص در زبان عربی بود و چند اثر به جا مانده از او آثار مربوط به علوم قرآن و نحو است.

۲- دولت موحدین انتقال معارف شرق به غرب مکتب ابن رشد خاتمه طب اسلامی

دولت موحدین برای نخستین بار مغرب و اندلس را تحت قدرت واحد اسلامی در آورد و دوره‌ای بی نظیر از فرهنگ و تمدن اسلامی را در مغرب و اندلس رقم زد. چهره‌های بلندگار تمدنی بویژه در طب در دو پایتخت مغربی آن‌ها مراکش و پایتخت اندلسی آن‌ها اشبیلیه شکوفا شد. سه تن از استوانه‌های طب اسلامی ابن طفیل ابن باجه ابن رشد که با هم رابطه استاد و شاگردی داشتند زمینه آخرین مرحله تکامل طب اسلامی را فراهم ساختند ابن رشد که نزد شمار زیادی از مورخان خاتمه فلاسفه اسلامی نام گرفت در واقع با ارایه بهترین شرح ارجوزه ابن سینا و سامان دادن معارف طبی اسلامی در یک کتاب آخرین مرحله تولیدات اسلامی در طب را ایجاد کرد.

"الکلیات فی الطب" نمایه کامل و جامع طب اسلامی با ترتیب مفید است. این کتاب ابن رشد با نام "کلگیت" مانند قانون ابن سینا بارها به زبان‌های اروپایی ترجمه شد و در محافل علمی انجا تدریس و تحقیق شده است (رک مقاله).

۳- آخرین دوره تکامل طب اسلامی در عهد حفصیان

بدنبال سقوط بغداد و اندلس انتقال قدرت سیاسی از بغداد به تونس انبوهی از دانشمندان جهان اسلام و صاحبان حرف و صنایع به افریقیه محل حکمت حفصیان مهاجرت کردند. و شکل نوین و ترکیبی از تمدن مغربی اندلسی در افریقیه تولید کردند که در نوع خود آخرین مرحله تکامل تمدن کلاسیک اسلامی است. این مفهوم را با عنوان آخرین مرحله توسعه طب اسلامی در ۴۳ کنگره تاریخ طب در ایتالیا ۲۰۱۲ نمایه شده است (شهیدی پاک ۲۰۱۲). این معنا در تونس تازه تاسیس رخ داد و لذا می‌توان آن را مکتب طب تونس در تونس پایتخت تازه تاسیس دولت نوبنیاد حفصیان نام نهاد. این مطالب در مورد حفصیان مستخرج از رساله دکتری مولف ۱۳۸۳ به راهنمایی هادی عالم زاده و حسین قره چانلو است و در کتاب دولت حفصیان و فرهنگ و تمدن اسلامی رعهده حفصیان و چند مقاله منتشر شده است. این بخش مقاله قسمت دارد که باهم رابطه ساختاری و تکاملی دارد. در مرحله اول طب در تونس حفصیان به نهایت تکامل رسید و در مرحله دوم منتقل به اروپا شد.

۴- طب تونسسی در دوره حفصی

در دوره حفصیان جریان منسجم از مدرسه طبى براساس ترکیب طب ایرانی بر پایه آثار رازی و ابن سینا و آثار اندلسی شکل گرفت مرکز آن در افریقیه و اشبیلیه و گرانا در غرناطه بود در مقاله مولف طب اسلامی در غرناطه بررسی شده است (۲۰۲۲) به جرات می توان گفت مدرسه طب اندلس و مغرب در دوره حفصی سینوی است و تا حد زیادی متأثر از شرح تلخیص و تفسیر و نقد قانون و تدریس آن است. بر این مبنا کارهای اساسی اطبا دوره حفصیان در رابطه با طب در افریقیه آمده است که دلیل بر این ادعا است :

۱. احمد صقلی (۸۲۸) کتاب قانون ابن سینا را خلاصه کرد و با نام المختصر الفارسی، به امیر حفصی ابی فارس عبدالعزیز هدیه کرد.^۵ پرداختن به قانون ابن سینا و شرح ارجوزه او در طب و به کارگیری شیوه و افکار ابن سینا و آثار رازی (محمد بن الدهان (۸۵۳) بخشی از کتاب المنصور رازی^۶ را نزد قصادی در تونس خواند) در طب تونسسی خود دلیل بزرگی بر سلطه طب ایرانی در دوره حفصی است.

۲. شروح زیادی بر ارجوزه و قانون ابن سینا توسط اطباء افریقیه در دوره حفصی نوشته شد:

الف) شرح احمد بن مهنا بر ارجوزه ابن سینا.^۷

ب) عمران بن علی بن بدوح^۸ شرحی بر قانون ابن سینا نوشت.

ج) ابن اندراس (م ۶۷۴هـ) ادویه مفرده در قانون ابن سینا را در رجزی به نظم آورد. ابن اندراس رجز دیگری در طب بر اساس برخی گیاهان داروئی ارائه داد. از ابن اندراس طبیب مخصوص المستنصر بالله خلیفه اول حفصی به عنوان ابن سینای زمان نام می بردند.^۹

د) محمد الدهان (م ۸۵۳هـ) ارجوزه ابن سینا را نزد عالم طبیب آندلسی قصادی در تونس خواند.^{۱۰}

ه) احمد صقلی شرحی بر ارجوزه ابن سینا نوشت و آن را کتاب الاطباء نامید^{۱۱}

۳. احمد بن العشاء، معجمی موضوعی بر اساس کتاب المنصوری رازی تدوین کرد. او در این کتاب انبوهی از الفاظ فارسی را به کار گرفت^{۱۲} و ریشه های فارسی کلمات را نشان داد.

۴. نفوذ طب ایرانی از طریق آثار رازی را در جای دیگر نیز می توان نشان داد. اولین آثار در «حفظ الصحة» که از موضوعات اساسی طب تونسسی در افریقیه دوره حفصی است توسط اطبای ایرانی نوشته شد. رازی که آثار او مورد توجه اطبا در دوره حفصی بود از حفظ الصحة به عنوان بخش مستقلی در طب یاد می کرد.

۵- قسطنطین افریقی نماد انتقال علم طب به اروپا

طب اسلامی که به غرب اسلامی ره یافته به تدریج به مراکز علمی اروپا راه گشودند؛ مکاتب طبّی افریقیه و اندلس، مکتب طب اسلامی عربی ایرانی و کتاب مرجع آن، قانون را به مراکز طب در اروپا شناسانیدند و مبدا تحولات آینده شدند؛ به پیروی از

۵. الطب العربي التونسي، ص ۱۰۰.

۶. مدخل الي تاريخ العلوم، ج ۱، ص ۴۱۲؛ رحله قصادی، ص ۱۱۷.

۷. اعلام الحضاره الاسلاميه، ج ۵، ص ۹۹.

۸. الطب العربي التونسي، ص ۲۵۲.

۹. الفارسيه، ص ۱۶۳؛ «لاشك ان ابن اندراس هو ابن سینا زمانه».

۱۰. مدخل الي تاريخ العلوم، ج ۱، ص ۴۱۲.

۱۱. المکتبه العربيه الصقليه، ص ۶۹۸.

۱۲. همان، ص ۹۷. او کتاب مفید العلوم و مبیّد الهموم في تفسیر الالفاظ الطبيه و اللغويه الموجوده في الكتاب المنصوري را نوشت. ر، ك: مدخل الي تاريخ العلوم، ج ۱، ص ۴۱۷.

مکاتب طبّی افریقای و اندلس، در ایتالیا، دانشگاه پزشکی سالرنو تاسیس شد؛ مولف در مقاله ای این مطلب را آورده است که طب اسلیمی از افریقای به اروپا رفت.

در گزارشی از سفرنامه لئون افریقی (قسطنطین) این مطلب آمده است. او نخستین کسی است که معارف طبّی را از تونس به سالرنوی ایتالیا برد؛ نخستین دانشکده پزشکی اروپا. در این سفرنامه، او امراض شایع در فاس را آورده است. این گزارش، سندی است یگانه در تاریخ طب، در سبک تاریخ نگاری پزشکی جهان است. در مقاله با عنوان- (گزارش و تحقیق در اپیدمی و امراض شایع در فاس بوسیله لئون افریقی، ۲۰۲۳) طب اسلامی مولف ان را مطرح کرده است و در کتاب تاریخ پزشکی در قرون وسطی آمده است. (شهیدی پاک ۱۴۰۲).

نتیجه گیری

انتقال معارف طب باستانی ایران روم غربی و شرقی هند مصر، به قرون وسطی در ایران بوسیله دانشمندان بیت الحکمه اول در ایران (بغداد) و بیت الحکمه دوم در افریقای (قیروان) صورت گرفت و از همین جا آثار پزشکی و متون عربی تولید شد. و در سراسر قرون وسطی توسعه یافت و از اندلس و افریقای از طیطله و تونس به اروپا منتقل شد. این مقاله نشان داد انتقال علوم در دوره باستان و قرون وسطی روی داده است و به همین منوال در ادوار دیگر شاید در دوره مدرن رخ دهد و ما شاهد تمدن نوینی در گوشه ای از جهان باشیم.

منابع

- حمدان زهیر ۱۹۶۶، اعلام الحضاره الاسلامیه
 آماری، ۱۸۷۵، المكتبه العربیه الصقلیه، الفارسیه
 اعلام الحضاره الاسلامیه، زهیر حمدان ۱۹۶۶
 برونشویک روبا تاریخ افریقعی فی الغهد الحفثی ترجمه حمادیدار الغرب الاسلامی ۱۹۸۸
 حرکات ۲۰۰۰، المخل الی تاریخ العلوم العربیه
 احمدبن احمد ۱۹۶۶ عنوان الدرایه .
 الطب العربی التونسی . احمد بن میلاد ۱۹۹۹
 شهیدی پاک تاریخ تحلیلی انلس ۱۳۸۹ نشر بین المللی المصطفی
 شهیدی پاک تاریخ تحلیلی مغرب ۱۳۸۹ نشر بین المللی المصطفی
 شهیدی پاک فرهنگ و تمدن اسلامی عهد حفصیان ۱۳۸۴
 شهیدی پاک د ولت حفصیان سرای کتاب ۱۳۷۹
 شهیدی پاک محمد رضا، علل واقعی سقوط اندلس ونظریه ابن خلدون پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۱۳۹۰ش ۱ ج ۱ انجمن ایرانی تاریخ اسلام

Abstract 43congressof the inyer national societyfor the history of medicine padua-albanoterm
 italy12 16 september201the develop,ent of medical scinces between past andfuture
 shahidipak mrsii-2p45s11-2The final periodof Islamic medicine in the hafside kngdomof
 yunesia

Comparative investigationay paragigmeof trandfeence of science forexampleAndalusia in final
 period ofmediva l withIsI indexinkoria 29jne 2012

Shahidipak (2023) Paradigm of studying history of medicine from Al- Buyed dynasty to Al-
 Mohads Empire – April .2023.-V49(Issue5). DOI:10.26717/BJSTR202349007860

زیگیفرید هونکه (۱۳۹۷)، فرهنگ اسلام در اروپا، ۲۰۱۹، / / ترجمه مرتضی رهبانی ، دفتر نر فرهنگ سارتن، ۱۳۸۳؛ مقدمه بر تاریخ علم نشر انقلاب ترجمه صدری.

شهیدی پاک ۱۴۰۲ تاریخ پزشکی در قرون وسطی سرای کتاب.

Shahidipk(2023),Report and studiys yn medicine in medivel the case common diseases by Leon Ifriqai,world jurnal of cliniclcase report 30Jan2023,V3(1)-1012,